

بررسی بینامتنیت اقتباسی رمان "کاخ اژدها" براساس نظریه‌ی ژرار ژنت: از نانگیالا تا

پارسه

عاطفه جمالی * (0009-0004-8448-8441)

مریم راه‌بانی ** (0000-0001-9724-6151)

چکیده:

بینامتنیت در ادبیات نوجوان نه تنها یک تکنیک ادبی که راهبردی فرهنگی و آموزشی است. این رویکرد با پیوند زدن نوجوانان به میراث فرهنگی، متون جهانی و رسانه‌های معاصر، آن‌ها را به خوانندگانی فعال تبدیل می‌کند. از این منظر، ادبیات نوجوان نقشی فراتر از سرگرمی دارد و به عرصه‌ای برای پرورش هویت، تفکر انتقادی و خلاقیت بدل می‌شود. در این مطالعه‌ی تطبیقی با رویکردی کیفی و بر بنیاد تحلیل متن، مناسبات بینامتنی رمان فارسی *کاخ اژدها* (آرمان آرین) و رمان کلاسیک *دره گل سرخ* (آسترید لیندگرن) در پرتو نظریه‌ی ژرار ژنت بررسی می‌شود. هر دو روایت از الگوی مشترک «فقدان/فاجعه برای گذار به جهانی دیگر» پیروی می‌کنند و شامل چندین سازه‌ی روایی از جمله پیوندهای خانوادگی، الگوی «اشتباه اولیه در شناسایی خائن»، و ایستگاه «کلبه/پیرزن قصه‌گو» هستند. با این حال، آرین با «دستکاری خلاقانه» و بومی‌سازی نمادها، نام‌ها و مکان‌ها ساختار فانتزی لیندگرن را به یک پیش‌متن اسطوره‌ای - فرهنگی تبدیل کرده است. از منظر ژنت، این فرایند را می‌توان «جابجایی جدی» همراه با عنصر «بازی‌وارگی» دانست: حفظ ساختار بنیادین پیش‌متن در کنار گسترش معنایی و ملی‌سازی مضامین. علاوه بر این، داده‌ها نشان می‌دهند که ترجمه‌ی پیش‌متنی که نویسنده در نوجوانی خوانده است (پیش‌متن ترجمه‌شده) در شکل‌گیری پیش‌متن آرین نقش‌ساز بوده است. پس *کاخ اژدها* تقلید صرف نیست بلکه بازآفرینی خلاقانه‌ای است که قابلیت الگوهای جهانی فانتزی را در بستری محلی و تاریخ‌مند بازتعریف می‌کند. یافته‌ها به فهم بهتر چرایی اقتباس بینامتنی در ادبیات نوجوان و نقش پیش‌متن‌های کودکی در تولید پیش‌متن‌های بومی کمک می‌کنند.

* دانشجویار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، Jamali.atefeh@gmail.com (نویسنده

مسئول)

** استاد تمام، دانشکده علوم و فنون دریایی، دانشگاه هرمزگان، maryamrahbani@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت؛ ژرار ژنت؛ ادبیات تطبیقی نوجوان؛ دره گل سرخ (برادران شیردل)؛ کاخ اژدها.

۱. مقدمه

ادبیات نوجوان تنها عرصه‌ای برای سرگرمی و تخیل نیست، بلکه بستری مهم برای شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی نوجوانان به شمار می‌آید. مطالعه‌ی روابط بینامتنی نشان می‌دهد که چگونه فرایندهای اقتباس، الهام‌گیری و بازآفرینی در این گونه‌ی ادبی عمل می‌کنند. متون نوجوانان، به‌ویژه در ژانر فانتزی، اغلب در گفت‌وگو با آثار پیشین شکل می‌گیرند؛ از بازنویسی اسطوره‌ها و افسانه‌ها تا بهره‌گیری از ادبیات کلاسیک و معاصر.

این رویکرد آشکار می‌سازد که نویسندگان برای انتقال ارزش‌ها و تجربه‌های فرهنگی به نسل تازه، چگونه از الگوهای موجود بهره می‌برند و آن‌ها را بافت‌مند و بومی می‌سازند. تحلیل بینامتنی در نتیجه، تنها راهی برای شناسایی سرچشمه‌های الهام نیست، بلکه ابزاری برای درک شکل‌گیری جهان‌بینی نوجوانان در بسترهای گوناگون فرهنگی است.

در این راستا، دو رمان دره‌ی گل سرخ اثر آسترید لینگرن و کاخ اژدها (از سه‌گانه‌ی پاریسیان و من) اثر آرمان آرین، نمونه‌هایی شاخص‌اند که با عناصر فانتزی و حماسی، نوجوانی را به‌مثابه دوره‌ای از آزمون و بلوغ بازمی‌نمایانند و نشان می‌دهند چگونه می‌توان با بنیادی‌ترین چالش‌های زندگی، همچون مرگ، جدایی و مسئولیت‌پذیری، مواجه شد.

بر این اساس، با تکیه بر نظریه‌ی بینامتنیت ژرار ژنت و به‌ویژه مفهوم «بیش‌متنیت»، این پرسش مطرح می‌شود که آیا میان ساختار روایی و مضامین بنیادین این دو اثر شباهتی معنادار وجود دارد؟ و اگر چنین است، چگونه می‌توان آن را تبیین کرد؟

۲. پیشینه پژوهش

دان لاثم (۲۰۰۸) در مقاله‌ی توانمندسازی خواننده‌ی نوجوان: بینامتنیت در سه رمان از دیوید آلموند رمان‌های اسکالینگ، میراث کیت و گل را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که آلموند با شگردهایی

همچون ارجاع^۱، اقتباس^۲، کلاژ^۳ و روایت در روایت^۴ نوجوانان را به سوی متون پیشین سوق می‌دهد و آنان را به خالقان فعال معنا تبدیل می‌کند.

کاری جو کیو (۲۰۱۱) در رساله‌ی به سوی جنگل‌ها: میان‌متنی در متون فانتزی کودکان و بزرگسالان جوان مفهوم میان‌متنی را از ۱۸۰۵ تاکنون، در ادبیات فانتزی تحلیل می‌کند.

اسرا سور سرزلی (۲۰۲۴) نیز در مقاله‌ی ادبیات کودکان: کاوش در روابط میان‌متنی اهمیت بینامتنیت را در شکل‌گیری معنا و فرایندهای خواندن برجسته کرده است. وی نشان می‌دهد که متون، بازتاب زبان، اجتماع و فرهنگ دوران خود و دوره‌های پیشین‌اند، و درک کامل آن‌ها نیازمند خوانشی میان‌متنی است. او تأکید می‌کند که برخلاف بزرگسالان، کودکان غالباً برای شناسایی این روابط نیازمند هدایت معلم هستند.

در میان پژوهش‌های فارسی در مقاله‌ی تحلیل روابط بیش‌متنی رمان کلاه اژدها با میراث متنی کهن، پوریزدان‌پناه و شیخ حسینی (۱۳۹۸) از ارتباط این رمان با متون پیش از خود، به ویژه شاهنامه بحث کرده‌اند.

زمانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل روابط فرامتنی و بیش‌متنی رمان راز کوه پرنده با شاهنامه، با تأکید بر نظریه‌ی ژنت به این نتیجه رسیده است که آراین با ایجاد تغییر در ساختار شاهنامه در راستای تبدیل اسطوره و حماسه به رمان گام برداشته است.

اسدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ی گذر کنسروها از سرزمین بوف‌های کور، پیوندهای رمان کنسرو غول با بوف کور هدایت را با تکیه بر نظریه‌ی ژنت بررسی کرده و نشان می‌دهد که کنسرو غول از طریق شخصیت‌پردازی، شیوه روایت و بن‌مایه‌های داستانی به بوف کور پیوند خورده و این ارتباط به‌صورت بینامتنیت ضمنی نمود یافته است.

مونسان و صفایی (۱۳۹۹) در تحلیل رمان کابوس ماهان اثر مجید شفیعی، استفاده از بینامتنیت آشکار و ضمنی و اقتباس مضامینی چون ضدستمگری از هفت‌پیکر نظامی را نشان داده‌اند.

¹ allusion

² adaptation

³ collage

⁴ mise-en-abyme